

تأثیرات بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۹۵

دو فصلنامه مطالعات
بیداری اسلامی

تأثیرات بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا بر امنیت ملی ج.ا.ایران

مصطفی محمدی

مصطفی محمدی^{*۱}

۱. کارشناس ارشد روابط بین الملل و مدرس دانشگاه غیاث الدین جمشیدکاشانی آبیگ، ایران.

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی تأثیرات بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این راستا چارچوب نظری «امنیت در مکتب کپنهاگ» به عنوان چارچوب مفهومی مناسب و جامع برای بررسی بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بهره برداری قرار گرفته است. بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، چالش‌ها و تأثیرات عمیقی بر محیط امنیتی منطقه در پی داشته است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران منطقه از تحولات مزبور متأثر شده است. از این رو سوال اصلی مقاله حاضر این است که بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران گذاشته است؟ برای پاسخ دادن به این سوال باید ابتدا به سوالات دیگری مانند بیداری اسلامی چیست؟ علل و عوامل بیداری اسلامی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا کدام‌اند؟ پاسخ داده شود. فرضیه‌ای که در این راستا مطرح می‌گردد این است که بیداری اسلامی به عنوان واقعیتهای انکارناپذیر در جهان معاصر موجب برهم زدن توازن قدرت در منطقه شده و سقوط حکومت‌های فاسد و غیر مردمی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا موجب افزایش نفوذ و قدرت ایران و محبوبیت الگوی سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه خواهد شد. روش تحقیق مقاله حاضر، روش توصیفی-تحلیلی است که با گردآوری اطلاعات و داده‌های با ابزار کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام گردیده است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا تأثیرات مهمی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای داشته است که گسترش مردمی سالاری اسلامی، انزوای سیاسی بیشتر رژیم صهیونیستی، برهم خوردن توازن قدرت در منطقه، تشدید اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، تشدید منازعه درون منطقه و... از جمله این تأثیرات است. **واژگان کلیدی:** بیداری اسلامی، خاورمیانه، شمال آفریقا، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران.

در سال‌های اخیر شاهد وقوع قیام‌ها و جنبش‌های انقلابی در نقاط مختلف جهان بوده‌ایم. در این میان می‌توان به انقلاب‌های موفق تونس و مصر در آفریقا و قیام‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه اشاره داشت. قیام‌هایی که جرعه آن در کشور آفریقایی تونس زده شد و پس از سرنگونی رئیس‌جمهور دیکتاتور این کشور، با سرعت عجیبی به دیگر نواحی منطقه مانند مصر، لیبی، بحرین، یمن و چند نقطه دیگر نیز تسری یافت. تا جایی که ظرف چند ماه دومینویی از خیزش‌ها و اعتراضات در خاورمیانه شکل گرفت و ملت‌ها به عنوان بازیگران اصلی این حوادث، برای سرنگونی رژیم‌های استبدادی حاکم بر کشورهایشان به پا خاستند.

امواج پرتلاطم بیداری اسلامی، منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه و شمال آفریقا را در معرض تحولات عظیمی قرار داد که بی‌شک متضمن استقرار نظم نوین آینده منطقه خواهد بود. دامنه تغییراتی که در نظام سیاسی برخی کشورهای عربی اتفاق افتاده یا در آستانه وقوع است، به داخل مرزهای این کشورها محدود نشده و جایگاه و نفوذ سایر کشورهای منطقه نیز از این تغییرات متأثر خواهد بود. این تغییرات گسترده، نظم منطقه‌ای و توازن قوای موجود را بر هم خواهد زد که این امر خود زمینه بروز تهدیداتی را برای دیگر کشورها ایجاد می‌کند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ نقشی که در رهبری معنوی این جنبش‌ها دارد و نیز قدرت بالقوه و بالفعل آن در منطقه خاورمیانه از موقعیت ویژه و حساسی برخوردار است. چرا که جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از قدرت‌های کلیدی و اثرگذار در منطقه، از پیامدهای مثبت و منفی بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا تأثیر خواهد پذیرفت.

۱- چارچوب نظری تحقیق

مکتب کپنهاگ، یکی از رهیافت‌هایی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی تمرکز دارد و اندیشه‌ها و افق‌های جدیدی را در باب این مفهوم گشوده است. این مکتب بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه‌ای را بر آن بیفزاید. این نظریه برخلاف نظریه‌های سنتی مانند رئالیسم و لیبرالیسم، دارای دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه در باب امنیت نیست و موضوعات امنیتی را به محور نظامی و جنگ و صلح تقلیل نمی‌دهد و از سوی دیگر مانند نظریه‌های جدید (انتقادی و پست مدرنیسم) فقط در پی انتقاد و چالش اندیشه‌های قدیمی نیست.

اندیشمندان مکتب بر این باورند که یک سیستم امنیتی یکسان را نمی‌توان برای همه کشورها تجویز کرد. چه بسا کشورهای تهدیدهای نظامی را در اولویت قرار دهند و کشورهایی دیگر تهدیدهای سیاسی و اقتصادی را (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). از این رو، مفهوم امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ از دو جهت باید گسترده باشد: نخست آنکه امنیت صرفاً به حوزه نظامی محدود نمی‌شود و در معنایی موسع‌تر، حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی را نیز در بر می‌گیرد؛ دوم اینکه آنچه باید امن بماند، نباید صرفاً بر حسب کشور، مفهوم‌سازی شود، بلکه باید افراد، دولت و نظام بین‌الملل مافوق آن را نیز در برگیرد (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۶۶).

امنیت هستی‌شناختی نیز گونه‌ای دیگر از تعریف موسع از امنیت است که در آثار «جف هیوزمنز»^۱ و «آنتونی گیدنز»^۲ آمده است. آن‌ها استدلال می‌کنند که امنیت فیزیکی، تنها امنیتی نیست که کشورها در پی تامین آن هستند. به طور مشخص، استدلال می‌شود که کشورها دغدغه تامین امنیت هستی‌شناختی نیز دارند. احتیاج به امنیت هستی‌شناختی نیز همانند نیاز کشورها به امنیت فیزیکی، از سطح فردی استنتاج و استقرار می‌شود. امنیت هستی‌شناختی بر نیاز فرد انسانی، به عنوان یک کل واحد، به داشتن ذات پایدار در طول زمان، نه ذاتی که مدام در حال تغییر و تحول باشد، دلالت دارد که برای درک و تحقق یک معنا و مفهوم از کارگزاری لازم است. افراد برای اینکه بفهمند در مقام هویت‌ها و یا نفس‌ها چه کسی هستند باید احساس امنیت کنند. بعضی از اشکال نبود اطمینان و بلا تکلیفی عمیق، این امنیت هویتی را تهدید می‌کند؛ زیرا کارگزاری و عاملیت، نیازمند یک محیط معرفتی باثبات است. آنان این اطمینان و قطعیت را از طریق ایجاد روال عادی و عادت جاری خلق می‌کنند (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۶۱-۲۹۰).

از مجموعه تعاریف عرضه شده از امنیت، نتیجه می‌گیریم امنیت، مفهومی نسبی است که در محیط اجتماعی ساخته می‌شود. امنیت ابعاد گسترده‌ای دارد. به امنیت فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه دارای ابعادی غیرمادی و روانی است. همچنین امنیت در سطح فردی، دولت و نظام بین‌الملل قابل پیگیری است. همین تعریف موسع، سبب شده است هر موضوعی در معرض امنیتی شدن قرار گیرد و حوزه مطالعات امنیتی به امور نظامی محدود نشود. جمهوری اسلامی ایران نیز امنیت خود را در قالب تعاریف موسع از امنیت تعقیب می‌کند و هر گونه تغییر و تحول در سطوح منطقه‌ای و یا بین‌المللی، در ابعاد مختلف امنیت کشور آثار مثبت و منفی امنیتی بر جای می‌گذارد.

۲- بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا

در هفدهم دسامبر ۲۰۱۰ در شهر سیدی بوزید تونس، نیروهای پلیس، گاری دستی غیرمجاز یک جوان سبزی فروش را مصادره کرد. محمد بوعزیزی که از این واقعه احساس تحقیر و ناتوانی می‌کرد، به یک ساختمان دولتی محل رفت و خود را به آتش کشید. این واقعه پیش درآمد اعتراضات سیاسی گسترده شد که در نهایت به سقوط بن علی در تونس انجامید. این تحول تأثیر سرایتی عمیقی بر سایر جوامع عرب برجای گذارد، به گونه‌ای که چندی بعد، مبارک نیز در مصر سقوط کرد. دامنه اعتراضات کشورهای مختلفی چون بحرین، یمن، سوریه و لیبی را فراگرفت در کشورهایی دیگر چون مراکش، اردن و عربستان نیز اعتراضاتی شکل گرفت (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۴۱).

۲-۱- بیداری اسلامی در تونس

«زین العابدین بن علی» رئیس جمهور تونس بود که نزدیک به ۳۲ سال در این کشور حکومت کرده بود و توانسته بود در ظاهر حکومتی باثبات در میان کشورهای عربی ایجاد کند و اغلب مخالفانش را از صحنه سیاسی حذف کرده بود. این حکومت در طی اعتراضات چند روز معارضان تونس و در پی خیانت نزدیکانش سقوط کرد و وی به عربستان گریخت (کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

شعله‌ور شدن آتش انقلاب تونس از ایالت «سیدی بوزید» و کشیده شدن آن به «تاله» و «قصرین»، قبل از اینکه به شهرهای مرکزی تونس و صفاقس برسد، به شکلی واضح نشان دهنده بحران رشد نابرابر و شکاف وسیع بین مرکز و پیرامون در این کشور بود. ۸۰ درصد از سرمایه گذاری‌های دولتی و خصوصی در مناطق ساحلی، شمالی و شرقی کشور انجام شده بود، در حالی استان‌های داخلی در غرب و جنوب با کمبود سرمایه گذاری و خدمات و مشاغل مواجه بودند. میزان بیکاری در ایالت‌های سیدی بوزید به ۳۰ درصد می‌رسید. در حالی که طبق آمارهای رسمی، متوسط میزان بیکاری در کشور بین ۱۳ تا ۱۶ درصد در نرسان بود. تونس همچنین شاهد شکاف اقتصادی بین طبقات اجتماعی مختلف بود، در حالی که طبقه سرمایه‌دار بیشترین نفع را از توسعه اقتصادی می‌برد (Country Data Report for Tunisia, 1996-2009). حوادث تونس همچنین نشان دهنده بحران فساد در بین نخبگان حاکم در کشور بود؛ به گونه‌ای که ثروت، قدرت و خاندان بن علی ارتباط تنگاتنگی باهم داشتند و از سوی دیگر، هیچ مکانیسمی برای حسابرسی وجود نداشت که نتیجه این وضعیت، شیوع فساد گسترده و ظهور طبقه‌ای بود که از روابط خود

با صاحبان قدرت برای رسیدن به ثروت‌های بی حد و حصر استفاده کردند. گفته می‌شود هفت خانواده که رابطه نسبی و سببی با خانواده بن علی، جمهوری تونس داشتند و در راس آن‌ها خانواده لیلی طرابلسی، همسر بن علی، قدرت سیاسی و اقتصادی کشور را در دست داشتند. همچنین خبرهایی منتشر شده مبنی بر این که برنامه‌هایی وجود داشته که قدرت در مرحله آینده به همسر یا داماد رئیس جمهور منتقل شود و همین موضوع به بحران مشروعیت نظام سیاسی تونس در سال‌های اخیر شدت بخشیده است.

۲-۲- بیداری اسلامی در مصر

تحولات بیداری اسلامی در مصر منجر به سقوط دولت حسنی مبارک شد. بیداری اسلامی در مصر با تجمع مردم در میدان التحریر آغاز شد. و در مقاطع مختلفی مانند روز خشم و برگزاری نماز جمعه حالتی خروشنده به خود گرفت و با خواسته‌هایی چون سقوط رژیم مبارک، ابطال انتخاب پارلمانی ۲۰۱۰، انحلال پارلمان مصر و تشکیل پارلمان جدید، بهبود وضع اقتصادی مردم و آزادی زندان سیاسی ادامه یافت. بیداری اسلامی در مصر دارای برخی ویژگی‌های خاص خود است.

۲-۲-۱- پیش‌بینی ناپذیری

یکی از نکات و مسائل مهمی که در خصوص بیداری اسلامی در مصر به آن اشاره می‌شود، غیر قابل پیش‌بینی بودن این تحولات در دوره زمانی مربوطه بود. به عنوان نمونه رئیس جمهور آمریکا، سیستم اطلاعاتی آمریکا را در خصوص تحولات مصر مورد انتقاد قرار داد. سیستم اطلاعاتی آمریکا نیز این پاسخ را مطرح کرد که این مسائل بیان شده بود، ولی از زمان دقیق تحولات، تحلیل مشخصی وجود نداشته است.

۲-۲-۲- تغییر شکل سازماندهی و رهبری سنتی

یکی از ویژگی‌های مهم بیداری اسلامی مصر، نقش‌آفرینی گروه‌ها و جریانات جدیدی مانند «جنبش جوانان شش آوریل» است که به خصوص در آغاز تحولات، بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. جریان جدید دو کار ویژه و ویژگی مهم داشته است، یکی اینکه این جریان مسائل اقتصادی مانند بیکاری و فقر را با ضدیت با استبداد، دموکراسی و حقوق بشر گره زده است و دیگر اینکه بستر این جریان جدید، انقلاب چهارم یا انقلاب ارتباطات محسوب می‌شود. که مؤلفه‌های اصلی قدرت و ثروت در جهان معاصر را تغییر داده است. بنابراین یکی دیگر از پیامدهای انقلاب چهارم برای بیداری اسلامی مصر، تغییر شکل سازماندهی و رهبری سنتی است. در شرایط جدید، دیگر نیازی به موقعیت جغرافیایی و

مکان فیزیکی برای رهبری و شبکه‌سازی وجود ندارد.

۲-۲-۳- تأثیرات یازده سپتامبر

یکی از نکات مهم در خصوص تحولات مصر، ایجاد تفکیک و تمایز بین شرایط مصر قبل و بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ است. مصر در دوره قبل از یازده سپتامبر، توانست شرایط و تحولات مختلفی مانند جنگ سرد، فرو ریختن دیوار برلین و مسائل دیگر را با تأثیرپذیری اندک سپری کند، اما یازده سپتامبر بر تحولات مصر و منطقه تأثیرات مستقیم و مهمی داشت. یازده سپتامبر در بخش اقتصادی، تأثیرات منفی شدیدی از جمله در مورد گردشگری بر مصر داشت. در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز مصر از یازده سپتامبر متأثر شد و بسیاری ریشه تحولات اخیر را به مسائل بعد از یازده سپتامبر مرتبط می‌دانند.

۲-۲-۴- روح و خواست جمعی

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم بیداری اسلامی مصر، حاکم بودن روحی جمعی با خواسته‌ای مشترک در اعتراضات و قیام مردمی بود. این تحولات نشان داد که اگر یک جمعیت ملی و جمعی از مردم، براساس علتی همگانی و خواستی مشترک و پیرامون یک موضوع همگرا شده و حرکت نمایند، موفق خواهند بود. البته تأکید بر این حرکت و خواست جمعی، به مفهوم نادیده گرفتن علت‌های ساختاری مانند استبداد ۳۰ ساله به عنوان عامل اساسی نیست. با توجه به اجماع نظر عمومی در جامعه، ایجاد یک جرقه باعث آغاز حرکت و پیشرفت آن به جلو، با توجه به روح و خواست جمعی آن شد. بر این اساس است که عنوان می‌شود حتی اگر آن انقلاب چهارم نیز تأثیرگذار نبود، مانند مقطعی که مبارک اینترنت را قطع کرد، این جمعیت با خواست و انگیزه خود به پیش می‌رفت. بنابراین انقلاب مصر ناشی از شکل‌گیری روحی جمعی در جامعه مدنی بود.

۲-۳-۳- بیداری اسلامی در لیبی

بحران در لیبی با مجموعه‌ای از حوادث در بنغازی و سایر نواحی شرقی که به سرعت از کنترل دولت قذافی خارج شدند، جرقه خورد. اگرچه گروه‌های اپوزیسیون لیبی در ۱۷ فوریه را به عنوان روز خشم معرفی کردند تا یاد اعتراضاتی را که پنج سال قبل برگزار شده بود پاس دارند، ولی خشونت محلی قبل از اعتراضات ملی برنامه‌ریزی شده فوران کرد. در ۱۵ و ۱۶ فوریه مسئولان لیبی برای جلوگیری از اعتراضات محدودی که خواهان آزادی یک وکیل شده بودند، از خشونت استفاده کرده و چند نفر از معترضان کشته شدند. در این میان، به سرعت کنترل مردم بر نواحی شرقی کشور نمایان شد و

اعتراضات وسیع تری در نواحی دیگر کشور بروز کرد. در این اثنا گروهی از فسران نظامی و واحدهای ارتش و مسئولان غیر نظامی از حکومت کناره گیری و به معترضان پیوستند. در خصوص ویژگی های بیداری اسلامی لیبی توجه به نکات زیر ضروری به نظر می رسد: - اعتراضات از نواحی شرقی کشور که شکاف دیرپایی با منطقه طرابلس داشته، آغاز و این مناطق از دست طرفداران قذافی خارج شد.

- مدل اعتراضات در لیبی به سرعت به جنگ داخلی تغییر شکل داد، طوری که تحولات این کشور را نمی توان در قالب یک انقلاب مدرن طبقه بندی کرد.

- در لیبی شبکه های قوم و خویشی و شکاف های محلی و قبیله ای نقش مؤثری داشته است؛ جامعه لیبی هنگامی که اعتراضات آغاز شد و رژیم نتوانست سیاست تفرقه بیندازد و حکومت کن را دنبال کند، بر اساس خطوط فوق دچار گسست و چندپارگی شد؛ نیروهای مسلح نیز بر اساس همین شکاف تجزیه شدند، طوری که برخی به مخالفان پیوستند و برخی در کنار قذافی باقی ماندند.

- تحولات لیبی نه یک انقلاب لیبرال دموکراتیک است و نه انقلاب پست مدرن، بلکه تجلی شکاف های عمیق اجتماعی و قبیله ای در جامعه ای است که در آن هویت ملی، دولت سازی و دستگاه اداری حکومتی منسجم شکل نگرفته و بنابراین چشم انداز تداوم تنش و انتقام گیری و حتی جنگ داخلی در این کشور مورد کاملاً واقعی است (دهشیار، ۱۳۹۰: ۱۰).

۲-۴. بیداری اسلامی در بحرین

بحرین از کشورهایی است که از دیرباز شاهد جنبش های و حرکت های دینی، اجتماعی و سیاسی بوده است. جنبش هایی این کشور، در سال های اخیر، نمود زیادی داشته است (آدمی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). کشوری که بیشترین جمعیت شیعه بعد از ایران را دارا می باشد؛ خصوصاً اینکه با وجود جمعیت زیاد شیعه، حکومت سنی و موروثی دارد و این خود باعث به وجود آمدن بحران هایی در این کشور شده است (کوشکی و ناظم پور، ۱۳۸۹: ۱۵۴). در بررسی علل و عواملی که موجب بروز بحران در بحرین شده است، می توان از عوامل گوناگونی نام برد، البته برخی از این عوامل در کشورهای دیگر منطقه نیز وجود دارد.

۲-۴-۱- عدم چرخش قدرت و توزیع نامناسب ثروت

بسیاری از حاکمان عرب چند دهه است که صندلی قدرت را خانه اصلی خود کرده اند

و اجازه ورود کسی را به آن نمی‌دهند و چون این کشورها از منابع انرژی سرشاری برخوردار هستند، حاکمان عرب این منابع و سرمایه را به ملک انحصاری خانواده و طایفه خود مبدل کرده‌اند (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱۵).

۲-۴-۲- ناهماهنگی فرهنگ اجتماعی و ساختار سیاسی

متن اجتماعی و فرهنگی تمامی کشورهای منطقه ریشه در اسلام دارد، اما این فرهنگ در ساختار سیاسی هیچ جایگاهی ندارد. در بحرین که شورای همکاری خلیج فارس نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهد، اکثریت مردم بحرین، شیعه هستند، اما این جمعیت جایگاهی در ساختار سیاسی کشور ندارد. در کنار این عوامل باید به غرب‌گرایی مطلق حاکمان و همچنین تأمین امنیت رژیم صهیونیستی نیز اشاره کرد.

۲-۴-۳- عدم مشروعیت مردمی خاندان آل خلیفه

خاندان آل خلیفه بحرینی نیستند، بلکه از اقلیت سنی مذهب مهاجری هستند که در پی اختلاف مذهبی با قبیله «بنی کعب» در زمان ریاست «شیخ نصراله خان» بر بحرین از کویت وارد بحرین شده‌اند. از این رو، خاندان آل خلیفه دارای مشروعیت لازم در بین مردم نیست، چرا که به قدرت رسیدن خاندان آل خلیفه بر اساس خواست و رضایت مردم صورت نگرفته، بلکه آل خلیفه پس از مرگ «شیخ نصراله خان» و در قبال دو شرط پرداخت مالیات به ایران و باقی ماندن در تحت حمایتی ایران، قدرت بحرین را در دست گرفته و با پذیرش تحت حمایتی انگلیس در سال ۱۱۹۹ ه.ش قدرت را حفظ کرده‌اند (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۶۰).

۳- جمهوری اسلامی ایران و بیداری اسلامی

تحولاتی که در سال ۲۰۱۰ در کشورهای خاورمیانه آغاز شد، نمادی از انقلاب‌های اجتماعی است. انقلاب‌هایی که بر اساس گفتمان دینی و نشانه‌های اسلام‌گرایی شکل گرفته است. این امر آشکارا انعکاس انقلاب اسلامی در خاورمیانه تلقی می‌گردد (متقی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). شورش‌های مردمی در جهان عرب، کشورهای خاورمیانه را مجبور به ارزیابی مجدد حکومت و ساختار دولت کرده است و به زعم بسیاری از تحلیل‌گران جنبش‌های اخیر خاورمیانه با انقلاب ۱۳۵۷ ایران در ارتباط است و این حرکت را الهام گرفته از انقلاب ایران می‌دانند (Dareieni, 2011: 12). در واقع بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر امروز در قالب یک جنبش اجتماعی و سازمانی ظاهر شده است. بی‌تردید انقلاب اسلامی عامل عمده

بیداری اسلامی و نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده است. این جنبش تحت تأثیر انقلاب ایران و ایدئولوژی اسلامی ایران می‌تواند به افزایش حاکمیت هویت‌های مذهبی در کشورهای خاورمیانه و نفوذ بیشتر ایران منجر شود (Nordland and Kirkpatrick, 2011: 8).

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان داخلی و خصوصا خارجی، تحولات و انقلاب‌های شکل گرفته در کشورهایی چون تونس، لیبی، یمن و به ویژه مصر متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده است؛ در ابتدای تحولات منطقه روزنامه آمریکایی «واشنگتن تایمز» نوشت: «خمینی همچنان در حال سرکوب قدرت آمریکا است و جنبش‌ها و قیام‌های زنجیرهای همانگونه که به شدت به نفوذ آمریکا آسیب زده است، نفس‌های اسرائیل را نیز به شماره انداخته است؛ این روزها، موضوع پیش‌روی را کشاکش دو هژمونی و نبرد گفتمانی میان ایران اسلامی و ایالات متحده می‌دانند» (سروش و اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

۴- تأثیر بیداری اسلامی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

بسیاری از تحلیلگران در بررسی تحولات اخیر منطقه و بروز انقلاب‌های مردمی و ضداستبدادی در کشورهای عربی متحد غرب، تقویت موضع جمهوری اسلامی ایران را در برابر رقبای منطقه‌ای خود، به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای این تحولات قلمداد می‌کنند، تحولی که متأثر از ساختار معنایی منبعث از انقلاب اسلامی و تعاملی است که این ساختار با جنبش‌های دنیای عرب ایجاد کرده است (عباسی اشلقی، ۱۳۹۱: ۲۵).

۴-۱- افزایش حساسیت کشورهای عربی نسبت به ایران

در واقع با وقوع بیداری اسلامی در منطقه تنش بین ایران و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تشدید شده است در پی این تحولات نفوذ ایران به طور بالقوه‌ای گسترش پیدا کرده است. به عنوان مثال در مصر پس از سقوط حسنی مبارک، روابط با تهران در حال بهبود است و همچنین عبور دو کشتی جنگی ایران از کانال سوئز برای رسیدن به سوریه برای کشورهای عربی سواحل خلیج فارس نگران کننده است (Lynch, 2011: 4). چرا که تحولات جهان عرب ضمن اینکه نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش داده است به همان اندازه بر حساسیت کشورهای منطقه از اهداف حضور ایران در این تحولات افزوده است. به طور کلی در تحولات کشورهای کویت و اردن منافع خود را در همراهی با محور عربستان و آمریکا یافتند و ایران را آماج اتهامات بی‌اساس خود قرار دادند. بحرین و یمن نیز که در مرکز تحولات قرار دارند از نفوذ ایران در میان شیعیان کشورشان در هراس

هستند. البته در این میان نباید تلاش بسیاری از دولت‌های سکولار در کشورهای مختلف خاورمیانه برای زدودن دین را از نظر دور داشت. که البته نتیجه مطلوب را به دست نداده است و حتی در مقام عکس‌العمل به شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و گروه‌های بنیادگرا در منطقه نیز انجامیده است (آدمی، حبیبی و بخشی تلیابی، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

۴-۲- تقویت مردم سالاری اسلامی

بی‌شک یکی از اهداف خیزش‌های اخیر در خاورمیانه، اصلاح ساختار سیاسی به منظور افزایش مشارکت و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور است. شعارهای و نشانه‌های مورد استفاده در تظاهرات، تفکرات رهبران و اقبال عمومی مردم به گروه‌ها و احزاب اسلام‌گرا در اولین مشارکت سیاسی در این کشورها پس از تحولات اخیر، در چارچوب انتخابات‌های پارلمانی، ماهیت اسلامی نظام‌های سیاسی این کشورها را نشان می‌دهد (Pillar, 2011: 19). بنابراین حضور ساختارهای مردم سالار و مبتنی بر شریعت اسلامی، نه تنها می‌توان ضریب امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان بیفزاید، بلکه زمینه را برای همکاری گسترده‌تر میان جمهوری اسلامی و دولت‌های انتخابی در کشورهای عربی فراهم می‌آورد.

۴-۳- انزوای سیاسی و کاهش امنیت رژیم صهیونیستی

ثابت ماندن برداشت‌های تهدیدآمیز اسرائیل از توان فناوری نظامی ایران و متحدانش در منطقه، پیش و پس از جریان بیداری اسلامی، سقوط حکومت‌های همسو با دولت اسرائیل در برخی کشورهای عربی منطقه، اصلاح ساختارهای سیاسی در برخی کشورهای همسو با اسرائیل در منطقه، کاهش سطح همکاری‌های کشورهای عربی منطقه و تقویت گفتمان اسرائیل‌ستیزی، افزایش تنفر از آمریکا در افکار عمومی منطقه و کاهش نفوذ و تأثیرگذاری این کشور بر دولت‌های جدید در منطقه (Inbar, 2011: 42)، بحران اقتصادی جهانی و ناتوانی اسرائیل در افزایش چشمگیر بودجه‌های نظامی خود، در کاهش امنیت سیاسی و نظامی اسرائیل در منطقه و در مقابل آن، افزایش ضریب امنیتی جمهوری اسلامی مؤثر بوده است.

۴-۴- تشدید رقابت و حتی منازعه درون منطقه‌ای

ایران، ترکیه و عربستان سعودی مهمترین کشورهایی هستند که در حوادث خیزش‌های مردمی، نقشی فعال و کلیدی منطقه را ایفا می‌کنند. هر چند کشور کوچک هم‌چون قطر نیز تلاش دارد با همکاری‌های فرامنطقه‌ای و جهانی خود با قدرت‌های بزرگ، بر اعتبار

خود در منطقه بیفزاید؛ شاید بتوان گفت در میان کشورهای عرب در حوادث اخیر، نقش دیپلماتیک و عربستان سعودی و تا حدودی امارات، نقش مالی-نظامی را ایفا کردند. روابط ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان، به دلایلی همچون مسئله هسته‌ای ایران و رقابت‌های نیابتی ایران و عربستان در تحولات تشکیل دولت مردمی در عراق (Freeman, 2011: 86) چندان گرم و مساعد نبوده، ولی نارضایتی و قیام‌های مردمی در شرق عربستان، بحرین و یمن و تصور کشورهای عربی از دخالت ایران و تشویق شیعیان و مخالفان این مناطق به قیام علیه حکومت‌های عربی، سبب تشدید اختلاف با ایران شد؛ همین عوامل سبب شد عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی موضعی تقابلی در قبال ایران و متحدانش در منطقه، از جمله سوریه و عراق، در پیش گیرند. تلاش برای سقوط دولت شیعی به رهبری نوری المالکی در عراق، تشدید اختلافات مذهبی در کنار حمایت از معترضان سوری و تلاش برای سرنگونی بشار اسد در سوریه، از جمله اقدامات مهم کشورهای عربی به رهبری عربستان است که آثار مستقیم و منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی خواهد داشت (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

از سوی دیگر، ترکیه به عنوان قدرتی در حال ظهور در منطقه، به نقش آفرینی فعال در مسائل منطقه می‌پردازد. ناخشنودی رهبران ایران از استقبال کشورهای عربی از الگوی حکومت‌داری سکولار ترکیه در مقابل الگوی اسلامی ایران را نمی‌توان کتمان کرد. همچنین ترکیه و ایران درباره مسائل سوریه و استقرار سپردفاع موشکی، اختلافات زیادی با یکدیگر دارند که در تمامی موارد، امنیت سیاسی و نظامی ایران بیش از گذشته در معرض خطر خواهد بود (Oktav, 2011: 7).

۴-۵- تشدید و ترویج شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی

با سقوط حکومت صدام حسین در عراق و حضور شیعیان در ساختار سیاسی این کشور، به دلیل نزدیکی رهبران و کارگزاران عراقی به حکومت ایران، بحث شکل‌گیری هلال شیعی، متشکل از ایران، عراق و سوریه در منطقه خاورمیانه بالا گرفت و موج جدیدی از شیعه‌هراسی در ایالات متحده آمریکا و کشورهای سنی مذهب منطقه به راه افتاد. در پی بیداری اسلام و موج اعتراضات در کشورهایی چون بحرین و یمن که جمعیت شیعه مذهب دارند، بار دیگر بسیاری از کشورهای سنی مذهب چنین القا کردند که ریشه این اعتراضات، دخالت و حمایت کشورهای شیعه مذهب از شیعیان این کشورهاست که کارگزارانی سنی مذهب دارند.

از سوی دیگر ایران‌هراسی موضوع جدیدی در منطقه نیست. غرب و آمریکا نیز همواره

تلاش دارند با گسترش موج ایران هراسی به فروش تسلیحات و حضور سیاسی و نظامی خود در منطقه خاورمیانه، بیفزایند. حاصل این تلاش‌ها، ارائه تصویری منفی از نظام جمهوری اسلامی در افکار عمومی جهان و تلاش برای تضعیف امنیت هستی شناختی ایران در طول سی سال گذشته بوده است (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۸۴).

۴-۶- برهم خوردن توازن قدرت در منطقه

بیداری اسلامی در خاورمیانه و در پی آن، سقوط رهبران و تغییر ساختارهای سیاسی در کشورهای لیبی و مصر از یکسو، هراس برخی از رهبران منطقه از نزدیکی زیاد به آمریکا و سایر متحدان خارجی و کاهش میزان مشروعیت و پایگاه مردمی دولت محافظه کار منطقه از سوی دیگر، در نهایت به تغییر موازنه قوا در خاورمیانه منجر شده است. این امر به دلیل ناتوانی در بسیج منابع داخلی و بی‌اعتمادی روانی به اتحادها و ائتلاف‌های خارجی صورت گرفت. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان خاورمیانه، در شرایط متغیر موازنه قدرت، معادلات قدرت به نفع ایران و ترکیه تغییر یافته است. البته شرایط پیچیده سیاسی و امنیتی پیش روی ایران، به دلیل اجرای برنامه هسته‌ای این کشور استفاده از این فرصت‌ها را دشوار کرده است (Ayoob, 2011: 192-194).

۱۰۶

دوفصلنامه مطالعات
بیداری اسلامی

سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

خاورمیانه و شمال آفریقا یکی از مناطق پر تب و تاب سیاسی در جهان است. علت این امر را در نگاه کلی می‌توان سابقه تاریخی، حضور و نفوذ استعماری و امپریالیستی، ساختار معیوب سیاسی و اجتماعی، وجود منابع استراتژیک در منطقه و در نهایت، فقر اقتصادی، فرهنگی و شکاف‌های متعدد قومی و دینی دانست. این منطقه در چند سال اخیر شاهد خیزش‌های فراگیر مردمی و اعتراضات گسترده‌ای بوده که تاکنون در این کشورها نظیر نداشته است (عبداله و اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

حوادث بیداری اسلامی در منطقه از بعد تأثیرگذاری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت زیادی است. سقوط حکومت‌های طرفدار غرب و سکولار در منطقه می‌تواند باعث روی کار آمدن حکومت‌های اسلام‌گرا و گسترش مناسبات با ایران و تضعیف رقبای منطقه‌ای ایران و همچنین کاهش نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه شود. اما از سوی دیگر موجب تهدیداتی هم برای ایران است که از جمله آن تبلیغ ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه را می‌توان نام برد. بنابراین با توجه به آثار مثبت و منفی بیداری اسلامی بر امنیت منطقه‌ای و ملی جمهوری اسلامی ایران و لزوم شناخت دقیق و توجه کارگزاران کشور به ظرفیت‌های مورد نیاز در حوزه عملیاتی، جلوگیری از افزایش تهدید و فشارهای همه‌جانبه امنیتی بر کشور، اهمیت تقویت فرصت‌های امنیتی و لزوم استفاده بهینه از آن‌ها را دو چندان می‌کند. از این رو پیشنهاد می‌شود:

- جمهوری اسلامی ایران باید از موج بیداری اسلامی و دموکراسی خواهی مردم منطقه حمایت نماید. چرا که هر گونه حکومت مبتنی بر خواست و اراده مردمی منجر به شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی و روی کار آمدن اسلام‌گرایان در منطقه خواهد شد.

- جمهوری اسلامی ایران باید با سیاست‌های ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی غرب و برخی از کشورهای عربی مقابله نماید و با استفاده از ظرفیت‌های موجود مانند رسانه ملی به تقویت موضع مردمی جنبش‌های اسلامی در منطقه پرداخته و به‌طور مستقیم با افکار عمومی و مردم انقلابی کشورهای منطقه ارتباط برقرار نماید.

- جمهوری اسلامی ایران همچنین با فعالیت‌های رسانه‌ای مناسب، موضع دوگانه غرب به ویژه ایالات متحده را در برخورد با تحولات منطقه‌ای برای مردم منطقه روشن و آشکار کند.

- جمهوری اسلامی ایران باید با برقراری ارتباط با نخبگان سیاسی کشورهای منطقه مفهوم جدیدی از امنیت ارائه دهد؛ چرا که دیدگاه تنگ‌نظرانه واقع‌گرایان و تأکید بر

بعد نظامی امنیت و غفلت از دیگر جنبه‌های آن، عقب ماندگی و توسعه نیافتگی امنیت چیزی جز تنش و جنگ به همراه ندارد. بدین ترتیب باید تلاش شود به هر شیوه ممکن، موضوعات از حالت «امنیتی بودن» خارج شوند و به حوزه‌های دیگر انتقال یابند.

یادداشت‌ها

- Jeff Homans
- Anthony Giddens



۱۰۸

دوفصلنامه مطالعات
بیداری اسلامی

سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

منابع

- آدمی، علی (۱۳۹۰)، «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۱، شماره ۶۲، صص ۱۴۱-۱۶۸.
- آدمی، علی، حبیبی، سیدمهدی و رامین بخشی تلیابی (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت-های عربی منطقه»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۶۰.
- حمیدی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «ناآرامی در بحرین؛ درخواست اصلاحات یا انقلاب؟»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۴، صص ۴۴-۵۳.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۹)، «لیبی فربانی امپریالیسم بشر دوستانه»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۱ و ۲۸۲، صص ۴-۱۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مهدی فرازی (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۹، شماره ۲۸، صص ۱۶۳-۱۹۰.
- سدیدالسلطنه، حمدعلی خان (۱۳۷۰)، «تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آن‌ها با ایران»، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، «امنیت بین‌الملل»، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۱)، «بازتاب معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۲، صص ۱۱۳-۱۴۰.
- عبدالله، عبدالمطلب و مصطفی اسماعیلی (۱۳۹۰)، «جنبش‌های بیداری اسلامی: گذار از محرومیت، بازگشت به خویشتن»، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۶، صص ۱۲۳-۱۴۱.

- کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «تونس و بیداری اسلامی»، مجموعه مقالات کوتاه دانشجویی با موضوع بیداری اسلامی، به کوشش مهدی یزدان پناه، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- کوشکی، محمدصادق و ناظم‌پور، مریم (۱۳۸۹)، «بررسی چالش‌ها و موانع درونی دموکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۵۳-۱۷۵.

- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی و گسترش روح دموکراتیک در خاورمیانه»، دیپلماسی صلح عادلانه، شماره ۴، صص ۱۶۹-۱۸۶.

- منصور، جواد (۱۳۸۳)، «سیاست راهبردی آمریکا در مقابله با بیداری اسلامی»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰، صص ۳۳-۴۷.

- نیاکوئی، سیدامیر (۱۳۹۰)، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۴، صص ۲۳۹-۲۷۶.

- Dareieni, Ali Akbar (2011), Iran Leader: West Cannot Confiscate Arab Spring, Associated Press.

- Ayoob, Mohammad (2011), Beyond the Democratic wave: a Turko-Persian Future? Middle East Policy

- Country Data Report for Tunisia (1996-2009), World Bank.

- Freeman, Jr.Chas (2011), the Arab reawakening: Strategic Implications, Middle East Policy, spring

- Inbar, Efraim (2011), Israel Defense: The Arab Uprising s Impact, Middle East Quarterly, winter.

- Lynch, Marc (2011), the What Cooperation Council? In Foreign Policy Marc Lynch Blog, Available at: <http://Lynch.Foreignpolicy.com>

- Nordland, Rod & David D. Kirkpatrick (2011), Islamists Growing Sway Raises Questions For Libya, New York Times.

- Oktav, Ozdenzeynep (2011), The Gulf States and Iran: A Turkish Perspective, Middle East Policy Council, and Available at: <http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/gulf-State>

- Pillar, Paul R (2011), Alarmism on Islamism, The National Interest, Available at: <http://nationalinterest.org/blog/paul-pillar/alarmism-islamism-6217>